

نقش مشترکات کتب مقدس ابراهیمی در گفتگوی ادیان

فاطمه کبری طالبی

(دانش آموخته دوره تخصصی فلسفه اسلامی و عضو حلقه علمی حکمت دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی)

چکیده

اشتراکات دینی کتب مقدس ادیان الهی، از جمله مهمترین عوامل مؤثر در گفتگوی بینادینی است. این نوشتار، براساس روش تحلیلی منطقی به اشتراکات دینی ادیان ابراهیمی می‌پردازد که هر یک، پایه دینی‌شان توحید، نبوت و موعودگرایی است. از این رو بایسته است که متألهان و پیروان این ادیان، به گفتگوی توحیدی‌شان در قبال جبهه کفر بیندیشند. نگارنده در پایان مقاله به برتری قرآن در دعوت انسان به تعقل پرداخته است و جهان اندیشه‌ها را به تأمل جهانی‌بودن پیام قرآن، و ویژگی منحصر بفرد عدم تحریف قرآن و تحدی بدان فراخوانده است.

کلیدواژگان: توحید، نبوت، معاد، گفتگوی بین ادیان، کتب مقدس، اشتراکات دینی، تحدی.

۱. مفهوم‌شناسی اصول مشترک ادیان

ادیان الهی همه از سوی خدای واحد، برای هدایت بشر نازل شده‌اند. برای فهم پیام عمومی انبیا، کافی است که آن پیام از سوی یک یا چند نفر از انبیا مطرح شده باشد؛ چراکه پیام انبیا جز در برخی از فروع دین یکسان است.^۱ کلیات اصول ادیان الهی عبارتند از توحید، نبوت و معاد. در زیر به توضیح اینها می‌پردازیم.

۱.۱. توحید؛ از ریشه «وحد» در لغت به معنای چیزی است که جزء نداشته باشد. ^۲توحید در اسلام به معنای رهایی و آزادی از قیود و زنجیرها و بازکردن راه تکامل به سوی آستان الهی است و یکی از اهداف پیامبران الهی همانا رهایی انسان از بردگی و اسارت بوده است.^۳

مهم‌ترین و بزرگ‌ترین هدف و رسالت انبیای الهی، یکتاپرستی بوده است. خدا در ده فرمان به حضرت موسی • گفته است: «در حضور من تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد. هیچ‌گونه بتی به شکل حیوان یا پرنده یا ماهی برای خود درست نکن. در برابر آنها زانو نزن و آنها را پرستش نکن!»^۴

از دیدگاه عهدجدید، در عین اینکه خدا یکی است و یکتا؛ اما با توضیحی پیچیده، آنان به تثلیث باور دارند که بازگشت آن به این است که به سه ضلع خدای پدر و پسر و روح القدس معتقدند.

قرآن می‌گوید که همه انبیا بدون استثنا، مردم را به توحید و دوری از شرک و بت پرستی دعوت نموده‌اند: «و ما أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ»^۵؛ «پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم؛ مگر اینکه به او وحی کردیم که خدایی جز من نیست پس مرا پرستید.»

۱.۲. نبوت؛ نبوت از ریشه «نبأ» در لغت به معنای خبری است که دارای فایده مهم و عظیم است و به واسطه آن، علم با ظن قوی حاصل می‌شود. همچنین «نبأ» بایستی از کذب و دروغ عاری باشد.^۶

نبوت در اسلام به معنای سفارت بین خدا و بندگان او، جهت اداره زندگی در ابعاد

۱. عبدالله جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر، ص ۱۸۶.

۲. راغب اصفهانی، مفردات، ترجمه رحیمی‌نیا، ص ۴۶۸.

۳. عبدالحسین خسروپناه، کلام جدید، ص ۲۶۹.

۴. خروج ۲۰: ۳-۵.

۵. انبیاء/۲۵.

۶. راغب اصفهانی، مفردات، ترجمه رحیمی‌نیا، ص ۴۲۶.

معاش و معاد آنهاست.^۱

یهودیت خود را تحقق وعدهٔ خدای متعال به حضرت ابراهیم • می‌داند و مسیحیت با طرح نقشهٔ مسیحایی عیسی •، ایشان را وارث آن وعده می‌داند و می‌کوشد بشارت به ظهور آن حضرت و عهدجدید را در عهدعتیق پیدا کند. اسلام نیز به انبیای بنی اسرائیل و کتاب‌های آسمانی پیشین توجه دارد و صریحاً اعلام می‌کند که بشارت ظهور پیامبر عالی‌قدر اسلام در تورات و انجیل یافت می‌شود.^۲

۱.۳. معاد؛ معاد در لغت به معنای عود و رجوع کردن به‌سوی چیزی بعد از انصراف و روگردانی از آن است. در دین اسلام، معاد به‌معنای بازگشت ارواح به سوی اجساد دنیوی به‌منظور حساب و کتاب اخروی است.

یکی دیگر از تعالیم بزرگ انبیا، دعوت به معاد و جهان پس از مرگ است. در عهدجدید، اشارات زیادی به این دعوت داریم.^۳

قرآن مجید، وجود این عقیده را به تمامی دیان الهی، نسبت داده است. قرآن خود، اهتمام زیادی به مسئلهٔ معاد دارد و حدود ۱۴۰۰ آیه به نوعی، از آن سخن به میان آورده است؛ بلکه به عقیدهٔ علامه طباطبایی این آیات به حدود ۲۰۰۰ آیه می‌رسد.^۴

قرآن مسئلهٔ معاد را از زبان حضرت موسی • چنین بیان می‌کند:
«وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ»^۵ «و موسی گفت من به پروردگارم و پروردگار شما پناه می‌برم از هر متکبری که به روز حساب ایمان نمی‌آورد.»

بنابر آیات قرآن، حضرت عیسی • در نخستین روز ولادت، از معاد یاد نموده است:
«وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا»^۶ «سلام بر من، در آن روز که متولد شدم و آن روز که می‌میرم و آن روز که زنده برانگیخته می‌شوم.»

ادیان آسمانی، مردم را از روز قیامت و برنامه‌های آن با خبر ساخته، آنها را از عذاب و مشکلات آن روزبر حذر داشته‌اند. عقیده به حیات پس از مرگ در میان ملل گذشته، سبب شده بود که آنان برای جلوگیری از بازگشت مردگان یا رفع برخی از نیازهای

۱. جعفر سبحانی، تلخیص محاضرات، ص ۱۰۹.

۲. حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۲۰۹.

۳. لوقا ۲۰: ۲۷ به بعد، متی ۲۲: ۲۳ به بعد.

۴. جعفر سبحانی، تلخیص محاضرات، ص ۱۸۱.

۵. غافر/ ۲۷.

۶. مریم/ ۳۳.

آنان تدابیری اتخاذ کنند که برخی از آنها عبارتند از: قراردادن انبوهی از سنگ بر روی جسد مرده، بستن بدن مرده با طناب‌های محکم، فروردن چوبی نوک‌تیز در سینه مرده و دوختن جسد او به زمین، تقدیم هدایا به مرده پس از دفن جسد، کاشتن خار در اطراف قبر و در خط مسیر گورها، دفن خوراکی‌ها، جواهرات و انواع وسایل دفاعی به همراه جسد مرده و زنده‌به‌گور کردن زنان و خدمتگزاران میت با او.^۱

۲. رسالت گفتگوی بینادینی بر پایه سه کتب مقدس

مشترکات ادیان، نقش مهمی در سمت‌وسو دادن گفتگوهای بینادینی، به‌سوی مسایل حیاتی و اساسی بشریت دارد. درحقیقت، مشترکات کتب مقدس، می‌تواند به تحقق اهداف بلند و مشترک رسولان الهی • یاری رساند. اهدافی همچون موارد زیر که بدانها اشاره می‌شود.

۲.۱. **احیای توحید**: با توجه به اینکه از مهمترین چالش‌های اصلی پیش روی ادیان، ظهور نوعی جهان‌بینی است که در آن هرچیز در محدوده عالم ماده و بدون در نظر گرفتن عنصر متعالی است.^۲ از سوی دیگر، به قول علامه طباطبایی، توحید وقتی گسترش پیدا کند، کل اسلام شکل می‌گیرد و اسلام وقتی فشرده گردد، توحید حاصل می‌شود.^۳

تمامی ادیان الهی با شرک، بت‌پرستی و طاغوت درگیر مبارزه بوده‌اند: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۴ «ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید.» مسایل و مشکلات کنونی جهان، ناشی از نبود توحید در زندگی و جوامع بشری است.

قرآن به اصل مشترک توحید بین ادیان الهی اشاره کرده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا...»^۵ «بگو ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما مشترک است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم.»

در دین مسیح نیز به این مطلب توجه شده است که برای جهان یک خالق و

۱. جان بی ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۲۳.

۲. حسین نصر، «مجال گفتگو»، ماهنامه علمی تخصصی اطلاعات حکمت و معرفت، شهریور ۸۸، ش ۴۲، ص ۴۷.

۳. محمد تقی مصباح، توحید در نظام عقیدتی و نظام ارزشی اسلام، ص ۱۵.

۴. نحل/۳۶.

۵. آل عمران/۶۴.

آفریننده وجود دارد؛ گرچه پیروان آن اعتقاد به «تثلیث» دارند؛ اما اصل توحید، از عقاید و باورهای مسلم آنان است. در این دین، مردم به خدانشناسی فراخوانده شده‌اند. همچنین خدای تورات، خدای یگانه است. در این کتاب بیش از هر چیز بر یگانگی خدا تأکید شده است: «ای بنی اسرائیل گوش کنید: تنها خدایی که وجود دارد، خداوند ما است، شما باید او را با تمامی دل و جان و توانایی خود دوست بدارید.»^۱

پرواضح است که از مهمترین موضوعات گفتگوی بین ادیان، موضوع احیای توحید در بین ادیان آسمانی و در پی آن، احیای توحید در جهان است؛ چراکه جهان با نبود توحید، بامشکلات زیادی مواجه شده است. بحران‌های جهان معاصر نیز، همه ناشی از نبودن توحید است.

۲.۲. حقوق بشر در آموزه کتب مقدس؛ باتوجه به اینکه در اسلام اصول زیادی

وجود دارد که نشان‌دهنده توجه فراوان اسلام به حقوق بشر است. مواردی چون:

الف. اصل برادری: «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»^۲ «هان ای مردم! همانا شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را به هیئت اقوام و قبایلی درآوردیم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید، بی‌گمان گرمی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شماست؛ که خداوند دانای آگاه است.»

ب. اصل حق حیات: قرآن تأکید دارد بر اینکه همه افراد بشر حق دارند از نعمت

حیات، برخوردار باشند و این حق برای همه تضمین شده است:

«قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيَّكُمْ إِلَّا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^۳ «بگو بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده برای شما بخوانم چیزی را با او شریک قرار ندهید و به پدر و مادر احسان کنید و فرزندان خود را از بیم تنگدستی نکشید ما شما و آنان را روزی می‌رسانیم و به کارهای زشت چه علنی آن و چه پوشیده [اش] نزدیک مشوید و نفسی را که خدا حرام گردانیده جز بحق مکشید اینهاست که [خدا] شما را به [انجام‌دادن] آن سفارش کرده است باشد که بیندیشد.»

۱. تثنیه، ۵: ۶

۲. حجرات/۱۳.

۳. انعام/۱۵۱.

ج. اصل حق امنیت: قرآن می‌فرماید که همه از حق امنیت بهره‌مند هستند و

هر کس از دیگری سلب امنیت بکند، سخت‌ترین کیفرها درباره او مقرر شده است: «مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لُمْسِرُونَ»^۱ «از این روی بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس کسی را جز به قصاص قتل یا [به کیفر] فسادی در زمین بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد و هر کس کسی را زنده بدارد چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است و قطعاً پیامبران ما دلایل آشکار برای آنان آوردند [با این همه] پس از آن بسیاری از ایشان در زمین زیاده‌روی می‌کنند.»

د. اصل حق آزادی: قرآن می‌گوید که همه افراد از حق آزادی برخوردارند و

نمی‌توان کسی را به بردگی گرفت یا به تجارت بردفروشی پرداخت: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۲ «همانان که از این فرستاده پیامبر درس‌نخوانده که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند پیروی می‌کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند و از [دوش] آنان، قیدوبندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد؛ پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و باریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند آنان همان رستگارانند.»

همچنین بنابر کلیسای واتیکان، نیاز به گفتگوی بین‌الادیان، احترام به حقوق بشر و به‌ویژه رعایت حقوق مذهبی است.^۳

در کتاب مقدس، نیز برپایی عدالت اجتماعی، از سوی انبیا آمده است. در شریعت حضرت موسی • آمده است که «در فتوادادن تمایل مکن و طرف‌گیری منما و رشوه

۱. مائده/۳۲.

۲. اعراف/۱۵۷.

۳. گفتگوی بین‌الادیان، ترجمه معصومی‌نژاد، ص ۴۹.

مگیر؛ چون رشوه، چشمان حاکمان را بی نور و سخنان عادلان را فسخ می نماید.^۱ در شرایط کنونی از کارهای اساسی و مهم گفتگوی بین ادیان، گفتگو در موضوع حقوق بشر است؛ چراکه هرروزه جهان شاهد پایدال گشتن حقوق انسانها در جوامع مختلف به دلیل کنار گذاشتن و نادیده گرفتن دین است.

هدف ادیان الهی بایستی برقراری عدالت و آسایش و امنیت بر روی زمین است؛ زیرا عدالت، موجب از بین رفتن برتری‌های ساختگی و خودخواهی‌ها است.

۲،۳. وحدت امت توحیدی؛ باتوجه به اینکه قرآن، تشکیل امت واحد را یک برنامه جهانی برای حکومت جهانی می‌داند، برای تحقق این آرمان در ادیان مختلف، به ظهور مصلح آخرالزمان که امت جهانی را بنیان می‌نهد، بشارت می‌دهد:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۲ «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترس‌شان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، که تن‌ها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقان‌اند.»

همچنین قرآن در رابطه با وحدت اهل کتاب با مسلمانان می‌فرماید:

«لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيَسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ»^۳ «مسلمانان یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده‌اند، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت و قطعاً کسانی را که گفتند ما نصرانی هستیم نزدیک‌ترین مردم در دوستی با مؤمنان خواهی یافت؛ زیرا برخی از آنان دانشمندان و رهبانانی‌اند که تکبر نمی‌ورزند.»

همچنین قرآن، زمینه‌های وحدت ادیان را نیز به روشنی بیان کرده است:

۴. تثنیه ۱۶: ۱۹.

۱. نور ۵۵.

۲. مائده ۸۲.

«وَلَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَاللَّهُنَّ وَاللَّهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»^۱ «و شما مسلمانان با اهل کتاب جز به نیکوترین طریق، بحث و مجادله نکنید، مگر با ستمکاران از آنها و با اهل کتاب بگویید که ما به کتاب آسمانی قرآن بر ما نازل شده و به کتاب آسمانی شما، به همه ایمان آورده‌ایم. و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اویمیم.» انجیل نیز بر وحدت بین انسان‌ها تأکید دارد:

«اما من به شما می‌گویم به کسی که به تو بدی می‌کند، بدی نکن و اگر کسی به گونه‌ی راست تو سبلی می‌زند، گونه‌ی دیگر خود را به طرف او بگردان. هرگاه کسی تو را برای گرفتن پیراهنت به دادگاه بکشاند، ردای خود را هم به او ببخش! ... شنیده‌اید که گفته شده است که نزدیکان خود را دوست بدارید و با دشمن خویش دشمنی کنید؛ اما من به شما می‌گویم: دشمنان خود را دوست بدارید، نفرین‌کنندگان شما را دعا کنید و به کسانی که به شما کینه‌ورزی می‌کنند، نیکی کنید. به این وسیله، شما فرزندان پدر آسمانی خود خواهید شد. چون او آفتاب خود را بر بدان و نیکان یکسان می‌تاباند، و باران خود را بر درستکاران و بدکاران می‌باراند. اگر فقط کسانی را دوست بدارید که شما را دوست می‌دارند، پس چه اجری دارید.»^۲

وحدت ادیان الهی، بایستی به این معنا باشد که ادیان یکدیگر را به‌طور صحیح بشناسند، از مواضع فکری و اعتقادی یکدیگر مطلع شوند و جهت حفظ و گسترش کیان و بنیان ایمان خالص توحیدی، امتی واحد، ملتی متشکل و جماعتی هم‌جبهه تشکیل دهند.

۲،۴. دعوت به تعقل: با توجه به اینکه قرآن کریم در آیات فراوانی مردم را به سوی حجت عقلی و استدلال و برهان رهبری می‌کند، و انسان‌ها را به اندیشه و تعقل و تدبر در پدیده‌های گوناگون آفرینش فرامی‌خواند و خود نیز در بیان حقایق به استدلال می‌پردازد.^۳

همچنین قرآن کریم، حجت عقلی و استدلال برهان را معتبر، و ارزش و استواری آن را مسلم می‌داند. قرآن نمی‌گوید ابتدا حقانیت معارف اسلامی را بپذیرید و سپس به احتجاج عقلی بپردازید و معارف نامبرده را از آنها استنتاج کنید؛ بلکه با اعتماد کامل بر

۱. عنکبوت/۴۶.

۲. متی ۵: ۳۹-۴۶.

۳. علی شیروانی، منابع اندیشه مذهبی شیعه، ص ۱۳۷.

واقعیت خود می‌گوید، اندیشه و استدلال و فکر کنید و تأمل و تعقل نمایید و حقانیت معارف نامبرده را از راه احتجاج عقلی دریابید و بپذیرید.^۱

قرآن تأکید می‌کند که همه انسان‌ها از موهبت خرد و وجدان برخوردارند: «اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»^۲ «خدا شما را از شکم مادران‌تان درحالی‌که چیزی نمی‌دانستید بیرون آورد و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید.»

در تورات نیز آمده است که مرجع حل اختلاف برای امور دینی پس از نبی، مجمع علمای شرع می‌باشد. این مجمع با استناد به اصول تفسیر تورات و استفاده از عقل انسانی می‌تواند به پاسخ‌گویی به پرسش‌ها بپردازد:

«اگر از میان شما امر مشکلی برای حکم‌نمودن در میان خون و خون و یا در میان دعوی و دعوی و یا در میان صدمه و صدمه که در اندرون دروازه‌های ماده نزع باشد به ظهور آید، آنگاه برخاسته به مکانی که خداوند خدایت برگزیند برآی. و پیش کاهنان از بنی لیبوی و پیش حاکم آن زمان حاضر شده، استفسار نما و ایشان فتوای حکم را به تو بیان خواهند کرد.»^۳

در نهایت اینکه حیات انسانی، حیات فکری است و هر قدر فکر، صحیح‌تر و کامل‌تر باشد قهراً زندگی انسان استوارتر خواهد بود.^۴

ادیان آسمانی بایستی عقل و دین را دو موهبت و نعمت گران‌بهای الهی بشمرند که ارزش انسانیت، در تکریم هردوی آن است.

اقبال و ادبار و جدانگاری و افتراق میان امت توحیدی، پیامدهای خسارت‌بار و جبران‌ناپذیری را به دنبال دارد. تکیه به عقل صرف و پرهیز از دین، باعث طغیان انسان و بی‌مهاردن نفس می‌شود. بی‌هویتی و سرکشی، بحران انسان معاصر است که خود، زاینده خردورزی افراطی جهان معاصر و دوری از تعالیم توحیدی است.

از سوی دیگر، دین فارغ از عقل یا گرفتار بی‌فهمی می‌شود و با در انواع خرافه‌ها و تحریف‌ها آلوده می‌گردد و در نهایت نیز گرفتار تعصب و تحجر می‌شود.^۵

۵، ۲. احیای امر موعودباوری؛ اندیشه نجات‌بخشی و انتظار برای موعودی که خواهد

۱. همان، ص ۱۴۰.

۲. نحل ۷۸.

۳. تثنیه ۱۷: ۸-۹.

۴. علی شیروانی، منابع اندیشه مذهبی شیعه، ص ۱۳۷.

۵. عبدالحسین خسروپناه، کلام جدید، ص ۸۱.

آمد و نظامی منطبق با قوانین الهی و آسمانی برقرار خواهد کرد، یکی از مهمترین بخش‌های اعتقادی و مشترک در ادیان مختلف است.

اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین آسمانی، توجه زیادی به مسئله ظهور نموده است. امام حسن عسگری • در این رابطه می‌فرماید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْرُجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّىٰ أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي، أَشْبَهَ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ • خُلْفَاءَ وَ خُلَفَاءَ يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَعَالَىٰ مِنْ غَيْبَتِهِ ثُمَّ يَظْهَرُهُ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا»^۱ «حمد خدا را که مرا از دنیا نبرد تا اینکه جانشین خود را که از من است، به من نشان داد. ایشان شبیه‌ترین مردم به رسول خدا^۹ در خلقت و اخلاق است. خداوند ایشان را در غیبت نگه می‌دارد. سپس ایشان ظهور خواهد کرد و زمین را پر از عدل و داد می‌کند، چنان‌که پر از ظلم و جور گشته بود. خداوند در قرآن در این رابطه می‌فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۲ «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید، و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترس‌شان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، که تن‌ها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.»

انتظار، جوهره اصلی یهودیت نیز هست. در دین یهود از نجات‌بخش نهایی با تعبیر ماشیح یاد می‌شود که به تصریح متون دینی یهود، وی از خاندان داود پیامبر است. یکی از پایه‌های اساسی و اصول مهم آیین یهود، ایمان به ظهور ماشیح و دوره نجات است. همچنین افرادی که قرار است، جامعه آرمانی یهود را به رهبری ماشیح اداره کنند نیز برگزیدگان خدا هستند. در تورات آمده است که

«وَقَوْمٌ تَوْ هَمَّكَ صَلِحٌ شَدَّةٌ وَ بَرَاءَةٌ مِيرَاثٌ يَخْتَصِمُونَ بِكَ»^۳

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، تحقیق آیت‌الله کمره‌ای، ص ۸۰.

۲. نور ۵۵.

۳. اشعیا، ۶۰: ۲۱.

در عهدقدیم آمده است: «شریران منقطع خواهند شد؛ اما متوکلان، وارث زمین خواهند شد.»^۱

همچنین در قرآن در این رابطه، آمده است:
 «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۲ «و ما بعد از تورات، در زبور داوود هم نوشتیم که حتماً بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد.»
 در انجیل لوقا و در رابطه با موعودگرایی اشارات خوبی دربارهٔ انتظار مسیح آمده است:

«کمرهای خود را بسته و چراغ‌های خود را فروخته دارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود در می‌کشند تا هر وقت بیاید و در را بکوبد بی‌درنگ برای او باز کنید.»^۳

ادیان آسمانی بایستی از جمله مهمترین وظایف خود را به گفتگو و مناظرات مسالمت‌آمیز دربارهٔ موعودگرایی اختصاص دهند؛ چراکه در دوران ظهور و روزگار دولت مصلح جهانی، جهان‌بینی واحدی بر جهان حاکم و راه و روش و برنامه‌ها نیز یکی می‌شود. ناسازگاری و دوگانگی در اندیشه‌ها و عقیده‌ها نیست؛ چنان‌که در راه و روش‌های اجتماعی نیز اختلاف و چندگانگی دیده نخواهد شد.
 بنابراین، ادیان بایستی نگرش نزدیکی در زمینه موعودگرایی حاصل نمایند تا جهان‌بینی نزدیک‌تری حاصل شود و انسجام و وحدت بین ادیان پدیدار گردد.

۳. قرآن: کتاب برتر و گفتگوی بهتر

تورات، انجیل و زبور مهمترین کتب آسمانی‌اند که در قرآن از آنها یاد شده است. قرآن با عبارت «مُهَيْمِنًا» بر برتری قرآن، بر دیگر کتب آسمانی دلالت دارد: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ»^۴
 برتری‌های قرآن بر سایر کتب آسمانی عبارت‌اند از:

۳.۱. **عقلانیت**؛ دین خوب، دینی است که اصول عقاید و برنامه‌هایش استدلالی

۱. مزامیر ۳۷: ۹.

۲. انبیاء/۳۵.

۳. لوقا ۱۲: ۳۵-۳۶.

۴. مائده/۴۸.

باشد نه ضد عقل. در واقع، اصول دین نیاستی با عقل در تضاد باشد؛ اما لازم نیست همه مردم در همه زمان‌ها و مکان‌ها، دستورها و برنامه‌های دین را طبق عقل خویش درک کنند؛ زیرا در زمانی که بسیاری از برنامه‌ها و دستورهای دین، صادر می‌شود، ممکن است افرادی راز و رمز آن را نفهمند و با عقل خویش به فلسفه آن پی نبرند. بنابراین یک برنامه دینی نمی‌تواند ضد عقل باشد؛ اما ممکن است فوق عقل باشد.

قرآن تأکید می‌کند که همه انسان‌ها از موهبت خرد و وجدان برخوردارند: «اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»^۱ «خدا شما را از شکم مادران‌تان در حالی که چیزی نمی‌دانستید بیرون آورد و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید.»
قرآن برخلاف سایر کتب مقدس ابراهیمی، به عقلانی بودن معارف و اعتقادات دینی توجه زیادی نموده است.

۳،۲. جهانی بودن؛ قرآن، کتابی است که برای هدایت همه انسان‌ها نازل گشته است؛ در حالی که تورات و انجیل فقط برای هدایت قوم بنی‌اسرائیل یا مسیحیان است. قرآن در این رابطه می‌فرماید:

«وَأَنبِئْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا يَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلاً»^۲
«کتاب آسمانی را به موسی دادیم و آن را برای فرزندان اسرائیل رهنمودی گردانیدیم که زنه‌ار غیر از من کارسازی مگیرید!»

اگر دعوت اسلام اختصاص به قوم یا نژاد خاصی داشت، قرآن به آن اشاره می‌کرد؛ اما قرآن می‌فرماید: «فَتَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»^۳ «بزرگ و خجسته است کسی که بر بنده خود، فرقان را نازل فرمود تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد.»

۳،۳. عدم تحریف؛ متأسفانه کی از گرفتاری‌هایی که برای ادیان آسمانی روی داد، تحریف متون دینی آنها بود. بدیهی است دست‌بردن در قوانین و برنامه‌های یک دین، آن را وسیله و بازپچه اغراض شخصی می‌نماید و بی‌خاصیت می‌کند. قرآن در این باره می‌فرماید: «فِيمَا نَقُضُهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِّنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ»

۱. نحل/۷۸.

۲. اسراء/۲۱.

۳. فرقان/۱.

فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۱ «پس به [سزای] پیمان شکستن‌شان لعنت‌شان کردیم و دل‌های‌شان را سخت گردانیدیم [به‌طوری‌که] کلمات را از مواضع خود تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند و تو همواره بر خیانتی از آنان آگاه می‌شوی مگر [شماری] اندک از ایشان [که خیانت‌کار نیستند] پس از آنان درگذر و چشم‌پوشی کن که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.»

خوشبختانه دشمنان آگاه و دوستان نادان، هرگز نتوانستند هیچ‌گونه تحریفی در دین اسلام به وجود آورند؛ زیرا خداوند خود، حفاظت و نگهبانی از قرآن را برعهده گرفته است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۲ «ما قرآن را نازل کردیم و ما به‌طور قطع نگهدار آنیم.» قرآن در آیه دیگر می‌فرماید: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ»^۳ «که هیچ‌گونه باطلی، نه از پیش‌رو و نه از پشت‌سر، به سراغ آن نمی‌آید؛ از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است.» از جمله دلایل دیگر، عدم تحریف قرآن، تواتر است.^۴

۳،۴. تحدی قرآن و عدم تحدی تورات و انجیل؛ خداوند بارها در قرآن، از مخالفان دعوت نموده است که به جای این‌همه سرسختی و کارشکنی، دست در دست هم دهند و کتابی همچون قرآن، بیاورند:

«لَئِن اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا»^۵ «بگو: اگر انسان‌ها و پریان [جن و انس] اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛ هرچند بکدیگر را [در این کار] کمک کنند.»

و در جای دیگر از قرآن تنها از مخالفان ده سوره می‌طلبید: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^۶ «آیا می‌گویند: او به دروغ این [قرآن] را [به خدا] نسبت داده [و ساختگی است]؟ بگو: اگر راست می‌گویید، شما هم ده سوره ساختگی همانند این قرآن بیاورید، و تمام

۱. مائده/۱۲.

۲. حجر/۹.

۳. فصلت/۴۲.

۴. محمد هادی معرفت، سیانة القرآن من التحریف، ص ۳۹-۳۷.

۵. اسری/۸۸.

۶. هود/۱۲.

کسانی را که می‌توانید - غیر از خدا- [برای این کار] دعوت کنید.»

خداوند در جاهای دیگر، از مخالفان خود، تنها آوردن یک سوره را نیز می‌پذیرد: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَلَطْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^۱ «آیا آنها می‌گویند: او قرآن را به دروغ به خدا نسبت داده است؟ بگو: اگر راست می‌گویید، یک سوره همانند آن بیاورید؛ و غیر از خدا، هر کس را می‌توانید [به یاری] طلبید.»

تحدی در جاهای مختلفی از قرآن، صورت گرفته است؛ در صورتی که هیچ‌گونه از تحدی، در سایر کتب مقدس یافت نمی‌شود.

۳،۴. شمول‌گرایی بیشتر نسبت به سایر ادیان

قرآن در مقایسه با متون مقدس دیگر، شمول‌گراتر است و از انحصارگرایی کمتری برخوردار است. قرآن همواره درباره ادیان سخن می‌گوید. حتی تعریفی که قرآن از ایمان ارائه می‌دهد، عبارت است از ایمان به خدا، کتب آسمانی او و انبیاء الهی، نه به یک کتاب یا پیامبر واحد. در واقع، ایمان به دیگر انبیا و دیگر کتب آسمانی، بخشی از تعریفی است که اسلام خود ارائه می‌دهد.^۲

منابع

قرآن کریم.

کتاب مقدس عهدعتیق و عهدجدید (ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۹ش).

۱. بایر ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، انتشارات علمی و فرهنگی، چ هفدهم، تهران، ۱۳۸۶ش.

۲. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، چ یازدهم، قم، ۱۳۸۷ش.

۳. جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، مرکز نشر اسراء، چ اول، قم.

۴. خسروپناه، عبدالحسین، کلام جدید، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی

حوزه علمی، چ دوم، ۱۳۸۱ش.

۵. راغب، ترجمه مفردات الفاظ القرآن، ترجمه مصطفی رحیمی‌نیا، نشر سبحان،

چ اول، تهران، ۱۳۸۶ش.

۱. یونس/۳۸.

۲. حسین نصر، «مجال گفتگو»، ماهنامه علمی تخصصی اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۴۲، ص ۴۸.

۶. سبحانی، تلخیص محاضرات فی الالهیات، مسلم قلی پور، انتشارات قدس، چ چهارم، قم، ۱۳۸۷ ش.
۷. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق آیت الله کمره‌ای، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۹۶ ق.
۸. شیروانی، علی، منابع اندیشه مذهبی شیعه، انتشارات شفق، چ اول، قم، ۱۳۷۲ ش.
۹. عزیزی، حسین و غفارزاده، علی، اندیشه اسلامی ۲، دفتر نشر معارف، چ دهم، قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. گفتگوی بین‌الدیان، تحقیق و ترجمه حمید معصومی نژاد و سپیده پیشوائیان، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۱۱. مصباح، محمدتقی، توحید در نظام عقیدتی و نظام ارزشی اسلام، انتشارات شفق، چ چهارم، ۱۳۷۵ ش.
۱۲. معرفت، محمدهادی، عبانة القرآن من التحریف، مؤسسه نشر اسلامی، چ اول، قم.
۱۳. نصر، حسین، «مجال گفتگو»، ماهنامه علمی تخصصی اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۴۲، شهریور ۱۳۸۸ ش.